

[illegible] درر [illegible] حرمان دارد [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] نگارش [illegible] لدی [illegible] درسلک [illegible]

[illegible] اسلوب [illegible] حرمان [illegible]

[illegible] الطبع [illegible] مجموعهٔ [illegible]

[illegible] المکی [illegible]

[illegible] مجموعهٔ [illegible]

[illegible] نظر [illegible] الله [illegible]

[illegible] داده [illegible]

[illegible] مجموعه [illegible]

[illegible] کنند

[illegible]

[illegible]

در طلب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فی یوم پنجشنبه نهم شهر محرم الحرام [illegible]

[illegible] تحریر شد

لب طرا است و رحمت عمد ... ان ... که ... مدار الفقط

... بیش خالی ... و ... که ... الفقر ... که ...

... ملک ... اعلام است

در باب ... در باب ...

در باب ...

در باب ...

لک الله ... منها

در حالتیکه پرچم افتخار بر شاهراه اقبال این محبوب

بی همتا بلند و ما گاه با حسرتی در آن از یک نگه با حسرت و درد بسیار به همه

مرغ همتا غیب شد آنها داشتند چون بار رعب و ملال نمودن نگاهی ما

از آن روز نشستیم که در بر روی ما بستند در رسالت و عزلت نشستیم و بار

بکار رفته از مهربانی خدمت لیوم المیرات و در ولد الجلیل مخلصانه مجید

که در بس شیرین بود ارشاد حضرت عالم لدنیه بر سر ما خورده است

که این سیاست اگر نه اظهار شکایت از فراق و غم بود در این باب حواله

بدین سان ... تحریر کنید من بنده حاتم را که بدین سبیل الطاف ... ارباب

لطف ما شیرین یک لحظه دل ... سعدی

کردند به عرض این بنده شنبه دهم ربیع الثانی ... [illegible]

ملا محمد حسن شیرازی ... [illegible]

[illegible]

جناب حقایق پناه معارف آگاه فضایل مآب قطب المحققین و زبدة المدققین
نیر شریعت پیغمبر مرسلین و خاتم النبیین بانی طریقه حق الیقین و سالک مسالک
حق الیقین مطلوب المجتهدین مرتضی الملة والدین شیخ حجة علی الیقین
شریعت مآب حقیقت انتساب طریقت نقاب یعنی خورشید الدعالم لاهوت
در تبیین انوار عالم ملکوت و شمعه شعاع عالم ناسوت سیاح بحار عالم جـ

نسخه — از عبد در رسالهٔ خان زرف ابن عم مالکی دستیاب

معنی غذاک

ا عرض رای صفا افزا می‌دارد که ... مر ... عکس ... نیستی

ا شام این مسند ... عهد ... در جام ... منظر ... گرد مسند ... جهان ... الدین الملک

ا در ... در ... دولت ... از آن گرد ... دولت ... الدولة ... مبارک

ا ... از الله ... اخراج ... الدولة ... شد ... الدار

ا ... برکار ... آن ... خان ... ملک ... روح

ا ... عالم ... مسند ... ادام الله ...

ا ... مسند ... الملک ...

ا ... ادام ... المبارک

ا ... عالم ... دولت سلطان ...

ا ... اللہ ... دارالخلافه ...

ا ... دولت ... عالم ...

ا ... اختیار ...

ا ... ارجمند ...

ا ... عالم ... مملکت ...

ا ... الملک ...

[illegible]

رجب بیک

امیرزاده [illegible] دستخط [illegible] در اخبار [illegible] سالات [illegible]

[illegible] اخبار [illegible] بایاری [illegible] حضرت [illegible] پروردگار [illegible]

[illegible] کلبهٔ [illegible] [illegible]

[illegible] اولاد [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] مشتاقانم [illegible]

[illegible] الله اکبر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لازم الحکم [illegible]

[illegible]

[illegible] والسلام

مرتضی [illegible]

فدای حضور ساطع النورت شوم

در حالتیکه ظلمهای شاه و ضعیف لذت تسلیم شستند حلاوت
زمان جنین حرمت شکستن‌ها از کنار جای عشم کرده آتش طمع
افلاس منزل از غبار زمستانی سرسبز نهال‌ها که جنبش و صفا از رنگ زنگ بدر برد
دریا کنار ازمنه ربوده اخضر در درخت کشته که کوکب عالی از بروج
عالم آتش غیب ساطع النور دست تکف اعلی زیبم کرده الی داعیه عالی
نامه الوداع رقیمه مخصوص ترین ارادت فخر شتاب کرده محول
گشتند که صدای عالم دعوی عالی ارکان آن شده دلی غیب محو
دار عالم للذات لاربی مخلوط دماغ از رها الضعاف الضلال ازین حال
ناشی بر موجب تغذیه الحمدلله حالت مختلی بر قرار و ... ربی
الی در کنار الک سوله بطلب تحف مرحمت بر ما نازل شده الطاف آیات
ح بر کریمه خدمتی حالیه ... لیرا ۱ هزار ... کشته والسلام علیهم



[illegible]

منسوبه تمام مصرهای بعض که هم قلم زرشته که بر در دیوان کنار [illegible]

که ام تمامی رشته نقر بردار یکی نقطه ها رسم چه هر یک [illegible]

قدم [illegible] قلم رسم تا هر جا رجوع بر [illegible] تا بی [illegible]

دارم تا جای پیش تر است صحبت علم اندر بر پس تا [illegible]

تا بی پایان نکند بس آزادی زمانه که جانم بر جان خبر محبت نکند

کمالات معانی لطافت لطف است بستی که نکند فهم [illegible]

نیستی است دانسته شد علم

روحیه توکیمی خالی خالی قطعه خالی مرده سی دکانه روحی خالی بی خالی

[illegible] مرتکلی موکلر شهر انها وارثلر حقوقها للحلیه علیه

زوجه بکرمی بی تحلیله علی ماندلر بی خالی

[illegible] مرتکلی موکلر صدانجها وارثلر حقوقها للبناته علیه

[illegible] روحه بکر بی مهر شرعه علی ماندلر بی خالی

[illegible] تحریر سطور شرعیت

مرتبی اندکه برادکه لدم شنبه دایم دلعیعات [illegible]

[illegible] رجمی عوضم روحم حلی ملکلری [illegible]

[illegible] ایکی الیه عن الروح در حقدر عدلی خالی [illegible]

[illegible] روحی ملک [illegible] عوضم [illegible]

[illegible]

عریضه در جواب تعلیقه که به [illegible] نوشته

و مخالف و امثال اینها نوشته‌اند

بشرف عرض مقدس عالیجناب تدبیر القاب فضایل و
فواضل اکتساب حقایق و دقایق مآب عوارف و محاسن
لاهل صاحبی قبله و امیدگاهی زید عمره العالی
میرساند که عندلیب خوش الحان گلستان درستی و طوطی
فصیح البیان شکرستان یکجهتی اعنی رقیمهٔ انیقه
عبارت طراز [illegible] نتیجه مراتب اعجاز در این ولا
از [illegible] واقبال قلمی و ارسال فرموده بودید رسالتی
سعید در [illegible] صبح عید روشن بخشی [illegible]
صفحات زاده عمر [illegible] طالع شد از [illegible] اختر [illegible]
خورشید روی زهره رخ و مشتری [illegible]
بر الاطلاع بر [illegible] عدیم المثال [illegible]
[illegible] بود سود غیر محصور [illegible] بهجت
افزود [illegible]
کس [illegible] رسیده است [illegible]
بالضرور [illegible] زاید اشتیاق [illegible] باشند

تحریر و تسطیره درآدم هر اینه ظهور ظفر قاسم بمجرد قوام
اولدی اینکلام درآولتینی کانم بازجزا هربانه
امیدوارانه خالق لیل و نهار درجناب اقدس سبحانی
عمق اسمه نسبت پشت فرق علمای ساطع
بلطف و صفای نور رئیلی انسان حیدر اعظم نعمای
نعم حقیقی است روزی گوشانه یا رب دعای
خسته دلان مستجاب گردنه باقی همه روزهای
باضداد دشمنان محبت لهات داد اقبال مجد
دنهم سنه مات فوق قسم لاقتی [illegible]
غزو [illegible] سعادت مستدام بحرمت رب العباد

ایضاً در جواب نوشته میشود

بعرض مقدس عالی میرسانه زلال چشمه سار
شفقت و احسان [illegible] ینابیع مکرمت و امتنان
ابن تعلیق [illegible] تحت عنوان [illegible]
امتیان درسایه [illegible] سعادت اقتران [illegible]
بیجا [illegible] فقرات [illegible]
[illegible] بخشش [illegible] غفرت

[illegible]

اندرای گشت و زیرا که این گذشته داد و الاوی یکی شتاب وقت

کس دیده و گلدار خاطر ناظره از سدوم عموم مفارقت

برخورده و بهار عیشش مبدل به آفت از هبوب باد خزان مشابهت

... پژمرده بود بمصداق یحیی الارض بعد موتها اذا ...

تا دردناکی بی اندازه حاصل شد بار دیگر از سر نو

... جهاد دیگر جانم بتن آورد ... بچه خراسته

... اعتدال ... الام مفارقت ... از دست

... از جنون ... دوشتن ... سعادت

سامی عرض نمایم که چه کیفیت ... قرار ...

... از تحریر ... از تقریر عاجز است

تا که شرح توان کرد ... نال نوشته ...

... جنس ... غطید ...

از جهة ... سلطانی ...

... احتساب

نشستن ... مطلع ... بهبود ...

اکنون ... تا کامه ... نشست

از ... چه بنویسم چه گویم ... کنم

باری به بازرست محجه نیست و منت بر شاهزادگان لاحق نیز ب

شفیب دیدن قدر مایه عمر ابنه بهار رد و آخر اهر بزرگتر

و ثمه و مثاله و امثال انیکو نه نوشته شد

بعد عرض عرض علیا جناب عزت ملت ... در نظر ... تحیه برسانید

ناطقه الزهیه و الله ما حیه معظمه مشغول و رضا نشسته ... زاده

زادی معصومه رضا الله عمرها میرسانید و ... لحمد

عرض میکنی ... من بر ... و عمه ... بیغاری

بعه ... درز تکا ... شکسته ... کرد ... بود

... البحر اهر و ... نمیدانید و ... دعاگویان ... ترک

زاده ... ز ... بجر ا ... ارش ... مشغول ... شکسته

سالان ... و نیست ... بخدمت کعبه ... اللوس

بعد ... لازم ... دا ... مشغله ... اهم مشغله

رضا ... براحوال ... نوشته ... رحمه ... نوشته ... البر

لا م ... ار ... تحمل تجا ... حقیقه

منفعه ... برینفا ... فرانه ... انحا ... فعل

در رسیده ... از ربعه المعظمه ... دله و ... کرده

عزو ... هر مناطر ... سالت ... تحریر ... ان ... دان

بر ... اهر

امت همواره مسلم محبت تمام و بجمعیت صورت

احوال خیریت مآل فرمان دائمه بنگارش حالات خیریت

علامات وادی جامع هر کونه خدمات کمترین فرزندلرین

یاد وشادکامی مقدمه البته بجای دعاخوانی معمول خواهد

باقی ایام مبارکت بقدر مواصلت مبهم اولانلر آل العباد

علیهم السلام به دستکاه و ایران ودرخوران و امثال ایشانه

دوران [illegible] صبر [illegible] میر سابقه [illegible] مفارقت

اندن [illegible] بابی الی الآن اطلاعی بر

نیجه احوال ملالت [illegible] بحاجت [illegible] اولمشدر

درخشانه [illegible] بخت [illegible] در کشکده

دل مشتاقانه تمنا [illegible] آلدرنه اندن دوستی

رشحات [illegible] کلمات کهربار سلک [illegible]

بالمرة [illegible] دجله [illegible] مخصوص [illegible] نسبت [illegible]

نسبت آتش هجرلرینی درکانی سینه محبانی

بدشعله اکر نظرات مرحمت انلام کوهبار [illegible]

برآتش لرینی [illegible] زرشت [illegible] عقیقه [illegible]

[illegible] نحفه [illegible]

[illegible] اکر ازجویبار [illegible] ابقا

هر آینه از تند باد محرومی از یاد در شگفت و اله و نهال حیات

نادیده نتیجه ای از کسب تحصیل مهاجرت

بی بر و بی برگ و بینوا گشته و اکثر ازین شیمه ای دیده دل و ولد

نمی دیدن نیز تنند اثری از بن نهالی تحت آب و ما نه چه شود که

ما هیچ بیمالان مرض مهجوری و درد جدایی را

میسیحای مهربانی خامهٔ اعجاز نما جانبخش نان و اتش رسیده که

عشک ... سال لایم گردی ادب نسیم نوبهاری

یکباده اخر ... انداز ... با اجزای زلال

عطوفت و نصرت ... خاطر ... با اعلام حقیقت

ذات فجسته صفات ... از زد

ممنون ... بار ... العباد

مراسله به دوستان خلت آیین و محبت تملق شعار

بعوض ... رسانه ... سنت ... خیال

بعید ... رسانیدکان ... مستغرق ... تشنه و کان

... نظر ... دیدار ... نخل امید اشته

وعده ... غنچه ... شگفت

دم ... رایحه ... قلم لطف ...

زار ... نشر ... جمال ... اطراف ... بخشش

زیاده ...

بهشت‌آسا از عنایت جهانگیری بخت منزل دهقانان
نشئه افزونست و از شمیم عنبرین بوی نسیم بهشت بذر آن کاغذ پر را
رونق افزای گلشن و حدیقهٔ ... بخت ... بر مشتاقان ملک
معنی ... از جملهٔ حالات ... مشتاقان
حیرت‌افزای مهر و استقبال تحریر صحیفهٔ ایام
موقوف ... انشاء ... سرایندهٔ منزل
و مغایرت ... مقرر ... اشتیاقات
ایام ... نوشته ... هزار شکر
و آن ... صفا ... منزل ... و آنچه خبر
محبت ... بر ... اعتقاد و یگانگی
افزوده ... بشر ... یعنی معمول
خواهد شد ایام محبت ... هست ... بر ... انجام

مراسلهٔ تعزیت‌نامه که به دوستان داخل دانشمندان ارسال
قلمی شود

بعرض معتکفان ... عالم ... میرساند که از این
واقعهٔ جانسوز و حادثهٔ غم‌اندوز که درین ایام
غم‌فرجام رو نموده چه گویم که بر دل چه گذشت از حضرت
رحمت ... بهشت
... و از دل
تا زبان ... در ... قرار ...

داده

است تا ابد از منصب عظمی و دابه بزرگ
حدکه شهنشاه امیر حاکم علی الاطلاق دیار
ارزاق در درد جانکاه الم لیل فراق بیاشید
تسلی آتش فساد هر دو اشر عکو سوز صعوبت منصبیه را
با شکیبائی اطفا نخشد لا انا بر صفحات کتب ذوق
طلبن شهرستان اصفهان خناهست مثال لبی
در امور عیبت آبا در روزنکار غدار بسی بحجت و ماتبلی
متعرف است بلکه از سنین متفرقه عادت می تسمی
روزنکار است که هر لحظه به نیش تیز نه درد مندی
دیش سازد و هر روز آتش محنت در خانه فتنی زاده
و هر دم بمقراض فرقت رشته الفت قطع کند و هر نفس
به خنجر درد دیر زید سائی را بزخم ها افکند درین
دشت بلا چند آنکه پای اندیشه رود هر قدم
خارزار است و تنه دیده غیرت کار دنیز هر طرف
از تکوهای داغدار لاله زار فلک دیر خنه سال رادید
ابر هر دل اسلیس اشار بست که در این تنگنا فضا جا تهی
است نه چیدن و دیده ها اشک لاله یک کف مهر بد صفحه
بستار همقنن مهر بران ترکیب ها سرانجام مقام نه رستن
نمک

کرسستن است نه بجای خنده این عملا چند اگر کنند
فلک بر کرسی ورود کار را تدبیر حوالت و درین سست
ساکن شد عقاه و دنیای را خوش نشین نسب دارند
انسلخ سختی امریست محال و از پس صبرهای کامی را
در هر حالی از احوال بسهام آلام دنیای دون دل اول
دوار سجبر اغ مالک هیچ تمام مرام ایک مرکب بلا زنه
بر جگر نهادن اولی است تا از برکات صبر و شکیبائی
غبار اشک تیره بشارت و بشر الصابرین بر زبان جم
با دراک مثوبات حاوی غیر عصیان این
سرای فانی نماید قبالهٔ بیع و شرای
خانه و ملک و امثال آنچه نسبت
غرض از تحریر و تسطیر و تنظیم آنکه عالیه امر
الشرع لازم الاتباع سلطنت [illegible]
عقت مان و الان عالیجاه رفیع جایگاه
فلان و فلان در حضرت بمبایعه صحیحه شرعیه
شکلی و تمامی یک دانگ از کل شش دانگ
خانه معینه مشخصه واقعه در محله فلان بمبلغ
و ثمن معین درست تومان رایج [illegible]

سندی مشکوک اولسه ذاته رد محکمه مجهوله

عمرو زیدک بیک دینار دعواسی زید بیشرت دهشت تحریر اولنمش عالیسی تحضر

نیکو نظرت فلان بالفابه بخطه ودبر الکتاب ...

ما کان ملحقات شرعیه من ملحقات ملیه و سلطانیه لیس ...

دیه عین دور ... تحریرات فوق ... و تحته ...

تتعلق بها شرعا و عرفا و غیر ذلک رسائل صحیحه

شرعیه منها بایع من عین لیس له ... عین دین الولد

فعنشا کان امر اسس ... اقتطع ... منه و ...

مدار جه ... و ... المصالحه بمال امثاله

من ... مرجعن و مستغور و مشتری ... است

تجار ... مالکلر مستحقه متصرف

الملاک دی املاک ... دوری تحتوی ... تو ...

دور من العقد الخارج الملازم الملکی الاسلامیه

شرط شرعی ... آنکه ... صحیح

منزل ... بدیکری مبایعه ... صالحه

باب یحوی ... املاک ... از ...

اعتبار ... قید ... بمنزله ... شتی

خواهر حسب و اکرام عالی الحمدی و ارتنا امر عمر [illegible] شد و
[illegible] محکی بسان و الآثار عهده [illegible] متمن
الموعود [illegible] بسوی شیراز ادمن [illegible] مغایر نمایند و [illegible]
الله [illegible] علیه صیغه العربیه و الفارسیه کمیت [illegible]
[illegible] و کان ذلک [illegible] فی شهر
شعبان المعظم ثلاث سنه ۱۱۲۹ [illegible]
بعد الالف من الهجرة المنسوبه علیه الاف التحیه
حرره [illegible] محمد مهدی [illegible]

قباله بیع و شراء بعد الحمد

باعث بر تحریر و ترقیم این کلمات شرعیه
الدلالات واضحه المبانی دالتنها آنست که [illegible]
[illegible] بلا اکراه [illegible] یکی [illegible] سنت [illegible] حاضر [illegible]
بعالیجناب [illegible] مطاع لازم الاتباع [illegible] دار السلطنه
اصفهان صانها الله عن طوارق الحدثان
عالیحضرت نیکو فطرت فلان ابن فلان بالتمام
همگی و تمامی [illegible] مالک [illegible] یکباب
خانه معینه [illegible] معلومه واقعه در محله فلان
[illegible] فلان [illegible] فلان [illegible] الکتاب

غیرت صواب کاتبه ملحوظه شرعیه

ثمانه فدان ... نبانه فدان ... عن نه فدان ... سیسا رملم

وجمله منتظمات السلامیه من ازمنه وعرصه واشجار

ودکاکین وبیوتات تحتانیه وفوقانیه ودورکه ومنجره

وفضاء ومنجره وسقوف وسطوح والواح وجدران

مختصه ومشترکه وکلما یتعلق بها من حقوقها التمام

من الآن به من استشاریه ازلی ستر ام لم

ودکوان لم یذکر داخله وتحتیه عامل بالکمیه والکیفیه

نقود حت بمبایعه صحیحه شرعیه ومعاقده صریحه

صحیحه اسلامیه بالشرط رضا وعنت ثم تمام در

الاکوله واللوازم دالان ام عمال

مبلغ وثمن فقط ان نمه نت فقصیر البحر الذ

عامه سلطانی مسکوکه محمدیه شاهی عدد دیگه هزار

بنا عیار در بیست بست ثمن وعنت

ذلک مصالحه صحیحه شرعیه نموا بیع مذبور وعنب

در بیع مذبور رسله وعنب در عنب لمن سلاها

کان لم یکن کان ما کان ولو ادعی ابکه

ولیلا مراجعه بما المصالحه مبلغ مرقعان موقوف

سنوف

مستوفی در تمام ثمن المبایعه و المصالحه مبلغ مسطور در تصرف
موصوف است و بعد اجرا و [illegible] الصیغتین الشرعیتین
اخذ ثمن و المصالحه بنحو حسب العقود اللازمه قطع
تعلق و ازاله حقیقت و سلب ملکیت بایع مزبور از مبیع
مسطور و ملحقات شرعیه لکن بالکلیه شرعا محقق
و ملکیت مشتری قرار و استقرار شرعی یافته مشتری ثبت
انحاء تصرفات مالکانه و مستحقانه کتصرف الملاک
فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم فبعد هذا بایع مزبور
خواه بنفسه او بغیره بوجه من الوجوه علقه و [illegible] دیگر ادعا و ارثا [illegible]
از درجه اعتبار ساقط و باطل و از منزله صحت
هابط و عاطل خواهد بود و ضمن العقد الخارج اللازم
[illegible] شروط شرعیه [illegible] ظهور فساد و بروز
حق احدی [illegible] استقلال [illegible] یکی از اولاد
[illegible] و الآن از عهده رد [illegible] الثمن
و المصالحه [illegible] و اجرت المثل ایام تصرف خلاف
شرع برآمده [illegible] و صیغتین شرعیتین بالعربیه
و الفارسیه [illegible] جاری [illegible] ذلک
[illegible] شهر شعبان المعظم [illegible] سنه [illegible]

من الحكم كيف [illegible] إلى القفا [illegible] [illegible]

قال الأصمعي مررت يوما [illegible] ورأيت هذا البيت مكتوبا

ألا يا معشر العشاق بالله خبروا

إذا اشتد عشق بالفتى كيف

قال فكتبت تحته [illegible]

يصنع

يداري هواه ثم يكتم سره

ويخضع في كل الأمور ويخضع

ثم زرت ثانيا ورأيت مكتوبا تحته

فكيف يداري الهوى قاتل الفتى

وفي كل يوم روحه تتقطع

ثم كتبت تحته

إذا لم يطق صبرا وكتمان سره

فليس له شيء سوى الموت ينفع

ثم زرت ثالثا ورأيت مكتوبا هذا البيت [illegible]

هنيئا لأرباب النعيم نعيمهم وللعاشق المسكين

ما يتجرع

حرره المذنب [illegible] [illegible] سنة ١٢٣[illegible]

بعرض می‌رساند در ساعتی فرح انجام و فیروزی [illegible]

بیمن خواص خجسته آثار جشن مانند [illegible] کافور [illegible]

در [illegible] انجاب فیض [illegible] ملازمان [illegible] می‌بود یکایک [illegible]

آنچه از موالفت ترجمه [illegible] باین بساط [illegible] تجهیز

اسلوب شوق ترتیب و ترتیب یافته بود کالدر المنزل من

السماء [illegible] و صعود شوق [illegible] ارباب [illegible] داشت و

منتظران [illegible] ارادت [illegible] عبید [illegible] نامه [illegible]

[illegible] کلک [illegible] زبان سعادت

[illegible] حاکی [illegible] استقامت [illegible] صفات [illegible]

مهربان [illegible] و صبور [illegible] تازه

از [illegible] حیرت [illegible] الحمد [illegible]

[illegible] است [illegible] از [illegible]

تا کامی [illegible] رقیمه جات و [illegible] سراف [illegible]

[illegible] مانند یعقوب [illegible] بیت الاحزان

باز است [illegible] در [illegible] دیده عشاق [illegible] و ابیضت

عیناه [illegible] ناگاه بشیر [illegible] قدم [illegible] آیه

دم [illegible] بشارت رقیمه [illegible] سر افراز [illegible]

انّی لاجد ریح یوسف گرید و متذکر و از تقدیم مسافت
ذات والا صفات گلهای سرور و انبساط در خیابان
دلهای خصوصیت ارتباط آغاز شکفتگی نموده و شوق
ملاقات فایض البرکات و مفارقت از حضور بهجت
بمرتبه بر غلیان شاق و ناگوار است که اگر خواسته باشم
که شمه از آن در معرض عرض درآورد قلم از تحریر
و ناطقه از تقریر عاجز آید عزیز با ناطقه در دعوی شوق
بالالست

اتانی کتاب عزیز کریم کریح الربیع و نشر النسیم
تمت تمام شد